

بررسی نسبت توسعه آموزش عالی و اشتغال در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۶)

محمد سهیل سرو*

جعفر هزارجریبی**

چکیده

آموزش عالی و اشتغال در جهان امروز دو نظام مرتبط با یکدیگرند که نیازها و استعدادهای جامعه را تأمین و از آن‌ها بهره‌گیری می‌کنند؛ اولی سرمایه انسانی را تربیت و دومی از این سرمایه برای آورده‌های اقتصادی جامعه استفاده می‌کند. هدف این مقاله دستیابی به «نگاه دستگاهی به آموزش عالی و اشتغال» و مسئله آن «بررسی نسبت توسعه آموزش عالی با اشتغال در ایران» است و به این منظور از روش «کیفی داده‌بنیاد» استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از سیاست‌گذاران و مجریان حوزه‌های آموزش عالی و اشتغال صورت گرفت و از نظریه داده‌بنیاد «اشتراوسی» برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد، عرضه اجتماعی آموزش عالی، مقوله محوری نظام آموزش عالی ایران در سال‌های پس از انقلاب بوده که این مهم با راهبرد تأسیس مراکز آموزش عالی ایجاد شده و تقاضای اجتماعی علت اصلی این عرضه بوده است؛ و پیامدهای مانند ضعف‌های نظارتی و ساختاری از یک‌سو و خلأهای قانونی از سوی دیگر داشته است. در اتخاذ این راهبرد متغیرهای مداخله‌گری نظیر ایجاد فضای سوءاستفاده اقتصادی از آموزش عالی و فشارها و رقابت‌های سیاسی مؤثر بوده است. نتیجه این تحقیق نشان داده است که میان آموزش عالی و اشتغال در ایران نسبت کمی وجود دارد و بیش از ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در نظام اشتغال کشور به کارگیری نشده‌اند؛ بنابراین تقاضای محوری بر نیاز محوری در آموزش عالی و اشتغال ایران پررنگ‌تر و از این رو نسبت میان این دو کم است. بر این اساس رویکرد دستگاهی در استفاده از خروجی‌های آموزش عالی به‌عنوان ورودی‌های نظام اشتغال برقرار نشده است و نمی‌توان رویکرد دستگاهی را در دو نظام

* دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛ برگرفته از پایان‌نامه دکتری محمد سهیل سرو
m.sohailsarv@gmail.com

** استاد گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
Jafar_hezar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۱

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ششم، شماره بیست‌ویکم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۰-۱۳۵

مزبور در ایران برقرار دانست.

واژه‌های کلیدی: توسعه آموزش عالی، اشتغال، رویکرد دستگامی، تقاضای اجتماعی،

عرضه اجتماعی

طبقه‌بندی JEL: a۲,h۵,n۳,m۵

مقدمه

مفهوم «دانشگاه» در طول سده‌های اخیر کارکردها و معانی متفاوتی داشته است؛ به طوری که در قرن نوزدهم به مفهوم انجام آموزش و تحقیق به طور محض بود، اما قرن بعد معانی آن چندگانه‌تر شد و علایق مختلفی را هم در بر می‌گرفت. (Barnett, ۲۰۰۰)؛ اما قرن ۲۱، هم‌زمان با دانشگاه کارآفرینی هم انجام می‌شود. در این قرن بر اساس نیازهای جامعه صنعتی و ایجاد مسائل جدید، احتیاج به استفاده از ظرفیت دانش و دانشگاه برای پیشبرد جامعه است؛ بنابراین دسترسی به آموزش عالی در اقتصاد دانش، مهم گشته است (فراستخواه، ۱۳۸۷).

اکنون پرسش نسل سوم دانشگاه این است که محصول دانش و پژوهش برای جامعه چه خواهد بود؟ درحالی که تأکید نسل اول دانشگاه بر انتقال و ترویج دانش بود و در نسل دوم تولید دانش، محور اساسی دانشگاه تلقی می‌شد، مقوله محوری در نسل سوم دانشگاه، مبادله دانش و ارزش‌آفرینی شده است؛ در واقع نسل سوم نسل چگونگی است؛ درحالی که نسل اول و دوم نسل چیستی و چرایی بود (فراستخواه، ۱۳۹۷، صص ۱۱۵-۱۱۷).

جهان امروز میان علم و صنعت و همچنین علم و اداره جامعه پیوند برقرار کرده است. از این رو باید به صورت منطقی و با نگاه دستگامی^۱، میان آموزش‌های دانشگاهی و حوزه‌های اشتغال و صنعت ارتباط برقرار شود؛ به طوری که هر فرد مراحل ورود به اشتغال را با گذر از مرحله آموزش عالی انجام دهد و به عبارت دیگر نوعی اجتماعی‌پذیر کردن فرد توسط آموزش عالی صورت بگیرد. این موضوع از

آنجایی بیشتر حائز اهمیت است که نسل سوم در عصر جدید وارد دانشگاه‌ها شده‌اند.

بر طبق بررسی‌های آماری، برخی کشورهای صنعتی و پیشرفته نسبت میان آموزش عالی و اشتغال خود را به میزان قابل توجهی برقرار نموده‌اند. هدف این تحقیق دستیابی به نگاه دستگامی به آموزش عالی و اشتغال و مسئله آن بررسی نسبت توسعه آموزش عالی با اشتغال در ایران است؛ یعنی بررسی این موضوع که «آیا با توسعه آموزش عالی ایران، اشتغال افزایش پیدا کرده یا اساساً نسبتی میان این دو حوزه دستگامی جامعه جدید، پدید نیامده است و اگر این ارتباط مثبت است تأثیر خالص آموزش عالی در آن به چه میزان است؟»

۱. چارچوب مفهومی

در این بخش برای درک بهتر موضوع و بر اساس حساسیت نظری مسئله تحقیق مفاهیم در دو دسته ارائه می‌گردد؛ ابتدا مفاهیم پیرامونی که با مسئله تحقیق ارتباط دارند و در ادامه مفاهیم مرکزی آن توضیح داده می‌شود.

۱-۱. مفاهیم پیرامونی تحقیق

۱-۱-۱. توده‌ای شدن آموزش عالی

توده‌ای شدن آموزش عالی در عصر جدید به واسطه نیاز صنعت به دانش و دانش‌بنیان شدن اقتصاد از یک‌سو و افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه از سوی دیگر بوده است. در مباحث اقتصادی، توده‌ای شدن آموزش عالی و تولید فارغ‌التحصیلان به‌عنوان سرمایه انسانی در نظر گرفته شده است. بدیهی است که در یک تفکر دستگامی، توده‌ای شدن آموزش عالی منجر به استفاده از سرمایه انسانی در یک‌خرده سیستم دیگر خواهد شد تا تعادل جامعه و تعادل سیستم حفظ شود (سهیل سرو، ۱۳۹۸، ص ۲۶).

در گذشته نه‌چندان دور، علم و آموزش در اختیار نخبگان بود و طبقات دیگر از آن بهره‌ای نداشتند؛ اما با ورود متغیرهای دیگری نظیر افزایش جمعیت، افزایش تقاضای اجتماعی نسبت به علم‌آموزی، بهبود نسبی وضعیت اقتصادی جامعه،

افزایش آگاهی‌های اجتماعی، رونق آزادی‌های اجتماعی، توجه به عدالت اجتماعی، فراهم آمدن بستر آموزش عمومی و ... دانشگاه نخبه‌گرا به دانشگاه توده‌ای رسید. در واقع مشارکت و حضور گسترده توده‌ها باعث شد که اقتدار نخبگان را در دانشگاه در هم شکست و درعین حال دانشگاه را از محل تولید علم به محل مصرف علم تبدیل کرد (اسکات، ۱۳۹۷).

تبدیل دانشگاه نخبه‌گرا به دانشگاه انبوه، اساساً ملازم با عمومی شدن درجاتی از تخصص بود که به مراحل بالای تعلیمات عمومی ملحق می‌شد. هنگامی که آموزش عالی از امتیاز انحصاری به حق عمومی تغییر می‌یافت، خودبه‌خود ایجاب می‌کرد که دیگر انتظارات گذشته در مورد آن مصداق نداشته باشد. طلب آموزش عالی به‌عنوان یک حق عمومی عملاً آن را به یک نیاز تبدیل می‌کرد که در ردیف سایر نیازهای عمومی، مشروط به آموزش بیشتر بود، آموزشی که هیچ‌گونه ملازمه‌ای با یافتن شغل متناظر نداشت (سهیل سرو، هزارجریبی، کرمی، انتظاری، ۱۳۹۸). وضعیت فعلی دانشگاه انبوه در ایران یکی از بهترین دلایل برای تقویت این نظر است؛ با اینکه عموم داوطلبان آموزش عالی از وضعیت بازار کار و عدم ملازمه میان آموزش دانشگاهی و پر کردن یک پست خالی تخصصی به‌خوبی آگاه‌اند، تغییری در تمایل آنان به آموزش عالی ایجاد نمی‌شود و همچنان تقاضا برای دانشگاه زیاد است و احساس رضایت‌مندی از آن وجود دارد؛ زیرا تحصیلات عالی به‌عنوان نیاز و هنجار اجتماعی شناخته می‌شود که بدون آن امکان زندگی اجتماعی مناسب میسر نیست.

بنابراین در عصر دانشگاه انبوه، آموزش عالی یک نیاز عام تلقی می‌شود که ضرورتاً ناظر به هدف شغل‌یابی به معنای خاص آن نیست (به این معنا که برای مثال هر دانشجوی رشته حقوق تصور کند در آینده وکیل دعاوی یا کارشناس قوه قضائیه می‌شود). این سخن البته منافاتی با اهمیت شغل در فضای روابط اجتماعی ندارد و در واقع به این معناست که ورود به دانشگاه اغلب با نیم‌نگاهی به آینده شغلی صورت نمی‌گیرد؛ سخن در نفی نوعی تلازم و تناظر یک‌به‌یک است، به‌گونه‌ای که تصور شود در مقابل هر مدرک فارغ‌التحصیلی علی‌القاعده باید یک

پست تخصصی متناظر با آن وجود داشته باشد و در غیر این صورت تحصیلات عالی کاری عبث خواهد بود (مردیها، پاک نیا، صص ۲۵۹-۲۶۰).

۱-۲-۱. سرمایه انسانی

در رویکردهای جدید، سرمایه‌گذاری تنها در توسعه زیرساخت‌ها نیست؛ بلکه توجه به عوامل انسانی نیز یک سرمایه اصلی به حساب می‌آید (سو، ۱۳۸۸، ص ۴۶). عوامل توسعه را می‌توان در دو عامل اصلی اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در نظر گرفت که بسته به هر یک از سیاست‌ها مختلف خواهد بود. عامل نخست خود شامل سه رویکرد است:

۱. **عامل سرمایه و انباشت آن:** این عامل با مباحث اقتصاددانان کلاسیک و نوکلاسیک‌ها پیوند دارد و در قالب رشد اقتصادی نشان داده می‌شود. طرفداران این رویکرد، توسعه آن را تا جایی لازم می‌دانند که به رشد اقتصادی بینجامد و بازدهی آن سریع باشد. این گروه امور آموزش را از مقوله امور پربازده اقتصادی نمی‌دانند و سرمایه‌گذاری در آن را هزینه‌کردی با بودجه زیاد تلقی می‌کنند.

۲. **عامل کار:** عامل کار متمرکز بر فعالیت و کار و در اولویت قرار دادن آن نسبت به سرمایه و عامل انسانی است.

۳. **عامل انسانی:** این عامل با سرمایه انسانی معرفی شد. استفاده از نیروی انسانی و توسعه آن مهم‌ترین بخش این رویکرد است. برخلاف رویکرد نخست، این دیدگاه با نگاه اقتصادی انسان را به‌عنوان سرمایه‌ای تلقی می‌کند که در چشم‌انداز درازمدت به سرمایه‌ای ارزشمند تبدیل می‌شود. با این دیدگاه، ارائه خدمات آموزشی به نیروی انسانی سبب می‌شود از یک وضعیت به وضعیتی با بهره‌ی بیشتر انتقال یابد و بازده این سرمایه‌گذاری پایه‌های توسعه در آینده خواهد بود.

نظریه سرمایه انسانی در کنار سرمایه، انسان را به‌عنوان منبع سرمایه معرفی می‌کند؛ بنابراین استفاده بهینه از نیروی انسانی و توسعه آن بهترین راه توسعه است (Harbison, ۱۹۷۸, P ۳).

«بازار»، «سود» و «نیروی انسانی آموزش‌دیده»، اضلاع اصلی منطق بازار هستند که نیروی انسانی آن را دانشگاه تربیت می‌کند. در منطق بازار اگر رشد اقتصادی

افزایش یابد، اشتغال بالا رفته و نیاز به نیروی انسانی آموزش دیده است؛ بنابراین در چنین وضعیتی، میزان ثبت نام در دانشگاه بیشتر می شود و با کاهش رشد اقتصادی میزان ثبت نام در دانشگاه کاهش می یابد.

تفکر سرمایه انسانی بر مبنای فایده ای است که نیروی انسانی متخصص می تواند در اختیار جامعه بگذارد؛ بنابراین هزینه زیاد همراه با فایده زیاد و عرضه بالا همراه با تقاضای بالا است.

۱-۲. مفاهیم مرکزی تحقیق

مفاهیم مرکزی یا اصلی بیشترین ارتباط موضوعی را با مسئله تحقیق دارند که بر اساس آن ها نمونه گیری نظری انجام و مصاحبه ها اجرا شده است.

۱-۲-۱. رویکرد دستگامی به جامعه

تفکر دستگامی، فرآیند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است. این نوع تفکر درصدد فهم کل (سیستم) و اجزای آن، روابط بین اجزا و کل و روابط بین کل با محیط آن (فرا سیستم) است.

اگر به اجزای جامعه ای که به صورت دستگامی نگاه شود، ورودی ها و خروجی های آن می توانند در انطباق با هم عمل کنند و به عبارتی نهادهای مختلف آن از جمله نهادهای آموزشی، اقتصادی و... با یکدیگر هماهنگ باشند.

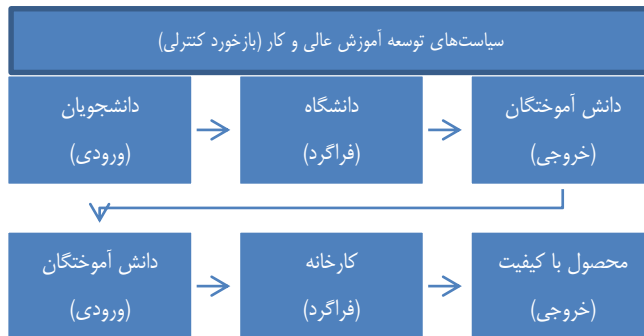
«مدیریت دستگامی» جامعه را به عنوان اجزای یک سیستم در نظر می گیرد که داده های ورودی و خروجی در یک فراگرد، گرد هم آمده و اجزای آن در ارتباط منطقی و متوازن باهم قرار دارند.

عناصر هر سیستم همان بخش های تشکیل دهنده آن هستند؛ به عبارتی با نگرشی کارکردی، بخش هایی که وظایف اساسی سیستم را بر عهده دارند، عناصر آن سیستم هستند؛ از این رو عناصر یک سیستم عبارت اند از: ورودی ها، فراگرد، خروجی ها و بازخورد کنترلی.

«ورودی» نیروی محرکه سیستم است که نیازهای عملیاتی آن را تأمین می کند.

بحث‌هایی که در یک محیط آموزشی مطرح می‌شوند ورودی سیستم را تشکیل می‌دهند. برخی دستگاه‌ها دارای ورودی‌های زنجیره‌ای یا به‌هم‌پیوسته هستند؛ به طوری که خروجی یک سیستم ورودی سیستم بعدی را تشکیل می‌دهد. «فراگرد» سیستم تبدیل ورودی به خروجی است. عوامل مختلفی نظیر انسان، ماشین، سازمان و ... می‌توانند این فراگرد را انجام دهند. یک فراگرد می‌تواند خط تولیدی باشد و مجموعه‌ای از ورودی‌ها را به خروجی تبدیل کند. خروجی‌های یک سیستم مانند ورودی‌های آن می‌تواند نوعی انرژی، ماده، ماشین و ... باشد. خروجی‌ها هم می‌توانند توسط دستگاه‌های دیگر مصرف شوند. بازخوردها هم ابزار ایجاد تعادل در سیستم هستند (رضاییان، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۶). با در نظر گرفتن یک سیستم زنجیره‌ای که از خرده دستگاه‌ها تشکیل شده است، می‌توان انتظار داشت ورودی سیستم اشتغال از خروجی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها باشد و خروجی سیستم اشتغال محصول باکیفیت خواهد بود و فراگرد سیستم «سیاست‌های توسعه‌ای» است که در خرده سیستم آموزش عالی «سیاست‌های توسعه آموزش عالی» و در خرده سیستم اشتغال «سیاست‌های عالی اشتغال» است.

نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق



بنابراین در حال حاضر که بر اساس آمار، ۴۰,۵ درصد بیکاران، دانش‌آموختگان آموزش عالی هستند، این ارتباط منطقی وجود ندارد؛ یعنی ورودی نظام اشتغال، کاملاً از خروجی نظام آموزش عالی تأمین نمی‌شود و خط بازخورد کنترلی در این نظامات که باید سیاست‌های توسعه‌ای در آموزش عالی و کار باشند، بر هم خورده

است؛ درحالی که اقتضای یک سیستم منطقی انتخاب عقلانی این است که تحصیلات و اشتغال رابطه هماهنگ با یکدیگر داشته باشند.

بر طبق «نظریه انتخاب عقلانی»، کار افرادی عاقلانه است که از میان راه‌های مختلف رسیدن به هدف، بهترین راه را انتخاب کنند؛ اما از سوی دیگر طبق نظریه انتخاب عقلانی این افراد هستند که جدا از ساختارهای جامعه دست به انتخاب عقلانی می‌زنند؛ یعنی فرد به دنبال نفع شخصی خود است تا بهترین راه ممکن را به دست آورد (۱۶۷: Coleman, ۱۹۶۵)؛ اما در ایران به‌رغم اینکه افراد لزوماً با مدرک دانشگاهی خود به اشتغال نمی‌رسند و آمار بالای بیکاران فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را مشاهده می‌کنند، همچنان نفع شخصی خود را در انتخاب دانشگاه می‌دانند.

۱-۲-۲. تعادل اجتماعی خودمحور

«پارسونز»^۱ در تحلیل کارکردی خود، معتقد بود هر جامعه دارای تعادل خودمحور است؛ تعادل کارکردی اقتضا می‌کند که هم‌زمان با توسعه آموزش عالی و انجام وظایف آن بخش‌های دیگر جامعه نیز توسعه یابند و از آموزش‌دیدگان جامعه به‌منظور برآورده کردن نیازهای جامعه بهره ببرند.

به اعتقاد پارسونز چهار کارکرد برای همه نظام‌ها ضرورت دارد و هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد:

۱. «سازگاری»^۲ به معنی لزوم انطباق یافتن هر نظامی با محیط طبیعی و خارجی خود؛

۲. «هدف‌گزینی»^۳ به مفهوم بهره‌گیری سیاسی از منابع برای رسیدن به اهداف مشخص؛

۳. «یکپارچگی»^۴ و تحقق قواعد و مقررات یا هنجارهای قانونی و مشروع برای اداره و کنترل کل نظام؛

۱. Talcott Parsons

۲. Adaptation

۳. Goal Attainment

۴. Integration

۴. «حفظ الگوهای نهفته»^۱ که به دگرسانی ارزش‌های شخصی و تبدیل آن به ارزش‌های فردی که به جزئی از الگوهای ارزشی مشترک و ثابت یک نظام مشخص درمی‌آید، مربوط می‌شود (استونز، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵).

عوامل مختلفی در ناهماهنگی میان اجزای مختلف جامعه دخیل‌اند که بر اساس مدل «آجیل»^۲ پارسونزی ورود اطلاعات جدید و عدم هماهنگی آن در نظام فرهنگی با سایر نظام‌های جامعه تبیین می‌شود. به عبارت دیگر نظام فرهنگی باید اطلاعات جدید را رمزگشایی کرده، با عملکرد سایر نظامات تطبیق دهد تا عملکرد نظام دچار اختلال نشود. اطلاعات جدید می‌تواند افزایش جمعیت در یک کشور و افزایش نیازها و تقاضای اجتماعی باشد (کوزر، ۱۳۸۸).

از آنجایی که حجم نیازها در یک جامعه با حالت قبلی خود هماهنگ شده است، با ورود جمعیت، حجم نیازها نیز رو به تزاید نهاده و عملکرد نظام با اختلال مواجه می‌شود. بر این اساس اگر نظام توانایی تطبیق اطلاعات جدید را با دیگر بخش‌ها نداشته باشد، عملاً کارکردهای آن کارکردی نخواهد داشت یا حتی کژ کارکرد خواهند شد (Ritzer, ۲۰۱۳).

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع منابع متعددی بررسی شد و یافته‌ها و نتایج آن‌ها مورد مذاکره قرار گرفت. منابع مطالعه‌شده در دو بخش مطالعات داخلی و خارجی دسته‌بندی شده است.

۲-۱. مطالعات داخلی

- «احمدی و مختاری و حسین‌نژاد» (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه دانشگاه یاسوج)» که با روش پیمایش پیگیری انجام شده است به این نتیجه رسیده است معدل تحصیلی، محل زندگی، جنسیت، دوره‌های آموزشی پس

۱. Latent Pattern Maintenance

۲. AGIL

از دانش‌آموختگی و ... ارتباط معناداری با اشتغال ندارند؛ اما تبیین وضعیت اشتغال با روش رگرسیون نشان داد متغیرهای رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، انجام کار پژوهشی و ... بر احتمال اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر معناداری دارد.

- «قربانعلی‌زاده و نجار نهانندی» (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل بر کارآمدی آموزش عالی در مسئله اشتغال جوانان» با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، این موضوع را طرح کرده که توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق توسعه انسانی محقق می‌شود و منابع انسانی از مهم‌ترین عوامل توسعه در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و نظام آموزش عالی به‌عنوان یک بخش زیربنایی در جامعه، رابطه‌ی تنگاتنگی با بازار کار و برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران به‌رغم گسترش کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مسائل مرتبط با بیکاری و فقدان مهارت‌های عملی قشر جوان افزایش یافته است که این امر ناشی از ناهماهنگی سیاست‌ها، برنامه‌ها و محتوای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با نیازهای جامعه و بازار کار است.

- «همتی» (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «توده‌ای شدن آموزش عالی و زندگی دانشجویی در ایران: تأملی در تجربه زیستی دانشجویان» توسعه آموزش عالی را با مفهوم توده‌ای شدن توضیح داده است. افزایش مشارکت مردم در آموزش عالی بعد از جنگ جهانی دوم به گسترش آموزش عالی در غرب انجامید؛ اما تعادل و توازن در سیستم آموزش عالی غربی برقرار است؛ در حالی که در سیستم آموزش عالی ایران این توازن به دلیل عواملی مانند عدم تنوع در تأمین منابع اعتبارات، عدم دیوان‌سالاری اثربخش، عدم تنش میان آموزش و پژوهش و آموزش غیرحرفه‌ای برقرار نیست.

- «انتظاری» (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال؛ مورد برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با طرح این موضوع که توسعه مبتنی بر دانش، مستلزم هماهنگی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال است، با روش «داده- ستانده» و با استفاده

از داده‌های آماری سال ۱۳۸۵ موضوع تحقیق را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تا سال ۱۳۸۸ هماهنگی میان دو نظام آموزش عالی و اشتغال در ایران وجود نداشته است.

- «حسینی لرگانی، میرعرب و رضایی» (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی» که با «روش دلفی» و مطالعه ۴۶ نفر از نخبگان این حوزه انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که در گستره جهانی شدن راهکارهای مؤثری مانند برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی دیجیتالی، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه، سیاست‌گذاری‌های انطباقی آموزش عالی با کارآفرینی و ... برای ایجاد تفکر کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی وجود دارد.

۲-۲. مطالعات خارجی

- «تاملینسون»^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود با عنوان «مدرك کافی نیست؛ درك دانشجویان از نقش مدارك تحصیلات عالی برای کار فارغ‌التحصیلان و اشتغال‌زایی» با بررسی چگونگی درك دانشجویان آموزش عالی از نقش اعتبار تحصیلی خود در رابطه با اشتغال‌زایی آینده که با روش کیفی از ۵۳ دانشجو در انگلستان انجام شده به این نتیجه رسیده است که دانشجویان مدارك تحصیلی خود را برای اشتغال کافی نمی‌دانند؛ درحالی‌که تصور می‌شود بازار کار زیادی برای فارغ‌التحصیلان وجود دارد. هرچند مدارك دانشگاهی هنوز به‌عنوان بعد قابل‌توجهی از اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان تلقی می‌شود، دانشجویان برای دستیابی به مزیت در بازار کار، به‌طور فزاینده‌ای نیاز به ارزش‌افزوده به آن‌ها می‌بینند.

- «وست»^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود با عنوان «آموزش عالی و اشتغال: فرصت‌ها و محدودیت‌ها در شکل‌گیری مهارت در یک سیستم آموزش عالی همگانی» در آغاز با مروری بر تعامل‌های اصلی بین آموزش عالی و اشتغال، دو رویکرد جایگزین را برای ارتقای آن‌ها بررسی کرده است: تقویت مهارت‌های

۱. Tomlinson

۲. West

عمومی «اشتغال» و ارتباط دادن دوره‌های آموزش عالی با شکل‌گیری حرفه‌ای. وست در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند، ایده «اشتغال‌پذیری» در ادبیات و سیاست‌های اخیر مورد بحث قرار گرفته است.

- «بلوم و کانینگ»^۱ (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان «آموزش عالی و توسعه اقتصادی در آفریقا» به موضوع تأثیر و رابطه آموزش عالی و توسعه اقتصاد پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش عالی، پیشرفت فناوری را بهبود می‌بخشد و می‌توان با آن برای به حداکثر رساندن پتانسیل و دستیابی سریع‌تر به رشد اقتصادی کمک کرد؛ که به نوبه خود باعث کاهش شکاف دانش و کاهش فقر می‌شود.

- «هاروی»^۲ (۲۰۰۰) در پژوهش خود با عنوان «واقعیت‌های جدید: روابط بین آموزش عالی و اشتغال» به یکی از جنبه‌های «واقعیت‌های جدید» آموزش عالی پرداخته و توسعه برنامه «اشتغال» در دوره‌های تحصیلی را بررسی و به ماهیت و پیامدهای تغییر سازمانی برای فارغ‌التحصیلان توجه کرده است. این محقق در ارزیابی خود درصدد پاسخ به این پرسش بوده که «فارغ‌التحصیلان در دهه آینده به چه عواملی نیاز دارند؟» یافته‌های تحقیق نشان داده است که سازمان‌های انعطاف‌پذیر نیازمند کارمندان منعطف و قدرتمندی هستند که این امر یادگیری جدی و نیرومندی را می‌طلبد.

بر اساس مطالعات، بررسی نسبت میان آموزش عالی و اشتغال طبق سیاست‌های توسعه‌ای کشور در طی چهار دهه، نقطه جدید ورود به بحث آموزش عالی در ایران است که این تحقیق را از سایر تحقیقات مزبور متمایز می‌کند. تحقیق پیش رو نسبت اتفاقات میان آموزش عالی و اشتغال را مطالعه کرده است؛ درحالی‌که تحقیقات دیگر نسبت این دو متغیر را در آینده مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند.

۳. روش تحقیق

برای بررسی پیامد توسعه آموزش عالی بر اشتغال در این تحقیق از روش کیفی داده بنیاد استفاده شده است که در واقع سامانه‌ای از توصیف مقولات و روابط میان

۱. Bloom & Canning

۲. Harvey

آن‌ها است (Mc Milan & Schumacher, ۱۹۹۳). بدین منظور ابتدا مصاحبه نیمه ساختاریافته از ۳۰ تن از مطلعین و دست‌اندرکاران آموزش عالی که در توسعه آموزش عالی نیز نقش داشته‌اند، به‌عمل آمده و سپس برای پیشبرد بهتر تحقیق، مروری بر آمارهای آموزش عالی انجام شده است تا داده‌های مستند در واکاوی نظرات مصاحبه‌شوندگان بررسی و مطالعه شود و سپس تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش داده بنیاد به انجام رسیده است.

منظور از تئوری داده بنیاد، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به‌جای اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از داده‌ها پدیدار شود (Strauss, Corbin, ۱۹۹۸, pp ۱۲-۱۳). هسته اصلی نظریه داده بنیاد، مقایسه مستمر است.

تعیین مقولات به مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان نیاز داشت که بر اساس آن برای تعیین مقولات ابتدا تمامی مصاحبه‌ها با رعایت اصول اخلاق پژوهش و اطلاع مصاحبه‌شوندگان با کسب اجازه از پاسخگویان ضبط و با رعایت اصول مصاحبه و حفظ مطالب، نکات مهم مصاحبه‌شوندگان نوشته شد تا تمرکز و انسجام آن‌ها به هم نریزد.

برای انجام مصاحبه‌ها پرسش‌های اساسی منطبق با اهداف و مسئله تحقیق، طراحی و از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد؛ ضمن آنکه در طول مصاحبه درباره نکات جدید یا مبهم مصاحبه‌شوندگان که نیاز به طرح پرسش جدید داشت نیز سؤال می‌شد. به این ترتیب در مجموع ۱۶ پرسش برای هر یک مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی گردید و ضمن بررسی و مطالعه چندین باره، مورد بازبینی و تلخیص قرار گرفت. سپس هر یک از واحدهای معنایی در مصاحبه‌ها مشخص و فشرده‌سازی شد و بر اساس آن‌ها کدگذاری صورت گرفت و با بررسی چندباره موارد مشترک به دست آمد.

نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری هدفمند است. از این رو به‌طور هدفمند به انتخاب آمارهای آموزش عالی و اشتغال و نیز دست‌اندرکاران مطلع از سیاست‌های توسعه آموزش عالی پرداخته شده که بیشترین ارتباط را با سؤال و هدف تحقیق داشته‌اند. بر این اساس پس از جستجو، مفاهیم مرکزی و پیرامونی آموزش عالی و اشتغال که در چارچوب مفهومی انتخاب شده بود، به‌عنوان مدخل بحث انتخاب شد. در ادامه با تعیین کدها و بررسی و مقایسه مستمر آن‌ها مفاهیم به دست آمد و از مقایسه مستمر مفاهیم مقولات شکل گرفتند. بدین منظور کدها در جدولی با سه ستون که در ستون نخست علامت اختصاری همراه با شماره نکته کلیدی به‌صورت عدد، در ستون میانی نکات کلیدی و در ستون سمت سوم کد هر نکته کلیدی درج شد.

در مرحله بعد، از میان مقولاتی که به‌دست آمده بود، مقوله‌های محوری‌تر و سایر مقولات حول محور آن که قابل طبقه‌بندی بودند، انتخاب شدند. ملاک انتخاب این مقوله، انعطاف‌پذیری، تکرار و ربطدهی سایر مقولات به آن بود. پس از تعیین مقوله محوری سایر مقولات با یکدیگر مقایسه شده و در مطالعه مجدد کدها و مفاهیم، چهار مقوله مطابق الگوی «اشتراوس»^۱ و «کوربین»^۲ شامل شرایط علی، راهبردها، زمینه یا بستر، شرایط مداخله‌گر و پیامدها در جایگاه‌های خود قرار گرفتند.

در این گام با مقایسه مستمر و مجدد کدها، مفاهیم و مقولات با یکدیگر روابط میان آن‌ها، به‌منظور یکپارچه‌سازی و تحلیل و درنهایت برای اطمینان از معناداری داده‌ها، مقولات و تحلیل به‌دست آمده و اینکه آیا برگردان صحیحی از آن‌ها صورت گرفته یا خیر، اعتبار آن‌ها بررسی می‌شود. در این مرحله در گام کدگذاری محوری، داده‌ها در برابر مقولات امتحان شدند. بدین شکل که طبق نظر «کرسول»^۳ (۲۰۰۵) ابتدا پرسش‌هایی در ربطدهی مقولات به یکدیگر طرح و مدارک آن‌ها در داده‌ها جستجو و مطرح شد. به این معنا که ۱- آیا اتصال روشنی بین مقوله‌ها و داده‌های خام وجود دارد؟ ۲- آیا نظریه به‌عنوان یک تبیین مفهومی

۱. Strauss

۲. Corbin

۳. Creswell

برای فرایند مورد مطالعه مفید است؟ همچنین تحلیل حاصل با پیشینه تخصصی اعتبارسنجی شد تا میزان نوآوری، وثوق و اطمینان آن مشخص شود.

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به اهمیت داده‌ها، یافته‌های تحقیق در دو بخش اصلی داده‌های آماری و تحلیل داده بنیاد، مصاحبه‌ها دسته‌بندی شده است.

۴-۱. داده‌های آماری آموزش عالی و اشتغال

در کشورهای صنعتی ارتباط دانشگاه و صنعت قابل توجه است (طرح رصد اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷، ص ۱۲) و نسبت معناداری میان جمعیت هر کشور با تعداد دانشگاه‌ها و نرخ اشتغال برقرار است (جدول ۱).

جدول ۱. نسبت جمعیت، بیکاری و تعداد دانشگاه‌ها در کشورها

کشور	آلمان	انگلیس	آمریکا	کانادا	ژاپن	فرانسه	چین	ایتالیا	هند	روسیه	ایران	منبع
جمعیت (۱)	۸۲ میلیون	۶۶	۳۲۳ میلیون	۳۷	۱۲۶	۶۶	۱,۳۹۷	۶۰	۱,۲۷۴	۱۴۶	۸۱ میلیون	WPR ۱
تعداد دانشگاه (ب)	۴۱۲	۲۹۱	۳۲۸۰	۳۲۹	۹۸۷	۵۶۲	۲۳۱۰	۲۳۶	۴۰۰۴	۱۳۰۶	۲۷۴۶	CISC
نرخ بیکاری (ج)	۳,۶	۴,۲	۴,۱	۶,۳۳	۲,۸	۹,۱	۳,۹	۱۰,۹	۲,۵۶	۵,۲۱	۱۲,۱	www.statista.com
نسبت (آ به ب)	۱۹۹	۲۲۶	۹۸	۱۱۲	۱۲۷	۱۱۷	۶۰۴	۲۵۴	۳۱۸	۱۱۱	۲۹,۵	-
درصد دانشجویان در سنین ۲۵-۳۴	۳۱,۳۱	۵۱,۶۲	۴۷,۷۶	۶۰,۹۲	۶۰,۴۳	۴۴,۳۴	۴۹	۲۶,۸۲	-	۵۷,۵۸	۴۷	OED E

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ایران در مقایسه با سایر کشورهایی که تعداد دانشگاه‌ها و جمعیت بیشتری دارند و عموماً در ردیف کشورهای پیشرفته مطرح هستند و نسبت به جمعیت خود دارای تعداد دانشگاه‌های بیشتری است؛ اما علی‌رغم داشتن تعداد زیاد مراکز آموزش عالی بیشترین میزان بیکاری را دارد. به عبارت دیگر نسبت میان آموزش عالی و اشتغال نسبت مستقیمی نیست و از هر ۱۲ نفر در ایران یک نفر بیکار است. جدول ۲ مؤید این مسئله است.

جدول ۲. سهم تحصیلات در اقتصاد دانشی و انتخاب نیروی کار (سالنامه آماری ۱۳۹۵. مرکز آمار ایران)

وضع سواد و سطح تحصیلات	۱۳۸۰		۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۱		۱۳۹۲		۱۳۹۳		۱۳۹۴		۱۳۹۵	
	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل
۱. باسواد	۸۱٫۷	۹۳٫۸	۸۶٫۵	۹۶٫۵	۸۹٫۳	۹۶٫۵	۸۹٫۱	۹۷٫۲	۹۰٫۳	۹۷٫۵	۹۰٫۷	۹۷٫۲	۹۱٫۲	۹۷٫۱	۹۱٫۴	۹۷٫۱
۲. ابتدایی	۲۵٫۰	۱۶٫۱	۳۱٫۲	۱۹٫۵	۲۵٫۴	۱۵٫۴	۲۵	۱۳٫۱	۲۳٫۳	۱۱٫۹	۲۵	۱۲٫۷	۲۱٫۸	۲۱٫۶	۱۳٫۷	۱۲٫۷
۳. راهنمایی	۱۹٫۱	۲۲٫۹	۲۰٫۰	۲۱٫۲	۲۱٫۱	۲۱٫۱	۱۸٫۳	۲۱٫۹	۱۸٫۱	۲۴٫۵	۱۹٫۳	۲۲٫۳	۱۸٫۳	۲۱٫۹	۱۷٫۴	۱۷٫۴
۴. متوسطه	۶٫۴	۱۰٫۳	۰٫۸	۰٫۵	۰٫۸	۰٫۶	۰٫۷	۰٫۸	۰٫۸	۰٫۷	۰٫۸	۰٫۵	۰٫۶	۰٫۵	۰٫۵	۰٫۵
۵. دیپلم	۱۶٫۱	۳۳٫۲	۲۰٫۲	۳۲٫۴	۲۱٫۵	۲۷٫۴	۲۰٫۹	۲۷٫۹	۲۲	۳۴٫۹	۲۴٫۶	۲۲٫۳	۲۳٫۷	۲۲٫۳	۲۴٫۳	۲۴٫۲
۶. آموزش عالی	۱۰٫۷	۱۰٫۳	۱۴٫۱	۲۰٫۹	۱۸٫۲	۳۱٫۳	۱۹٫۲	۳۶٫۶	۲۰٫۶	۴۱٫۳	۲۳٫۵	۲۲٫۳	۴۱٫۵	۲۳٫۷	۴۱٫۸	۴۱٫۸
۷. سوادآموزی	۲٫۹	۰٫۶	۰٫۰	۰٫۰	۲٫۱	۰٫۶	۲٫۱	۰٫۴	۱٫۷	۰٫۴	۱٫۷	۰٫۵	۱٫۵	۱٫۵	۱٫۵	۰٫۵
۸. بی‌سواد	۱۸٫۳	۶٫۲	۱۳٫۵	۳٫۶	۱۰٫۷	۳٫۵	۱۰٫۹	۲٫۸	۹٫۷	۲٫۵	۹٫۳	۲٫۸	۸٫۸	۸٫۶	۲٫۹	۲٫۹

از بررسی جدول ۲ می‌توان نتیجه گرفت ملاک انتخاب نیروی کار در کشور دانش و تحصیلات افراد نبوده و از این رو اقتصاد و بازار کار دانشی نشده است. از آنجایی که تعداد فارغ‌التحصیلان شاغل از ۲۳ درصد عبور نکرده است، می‌توان گفت عدم به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بازار اشتغال به نسبت افراد غیردانشگاهی حکایت از اقتصاد غیردانشی و پیش رفتن بازار کار کشور به صورت سنتی از یک‌سو و مهارت نداشتن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از سوی دیگر دارد. در حالت نخست، بازار کار دانشی نیست و در صورت دوم دانشگاه مهارت‌آفرین نبوده است؛ که هر دو نامناسب هستند.

۴-۲. تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های مطلعین آموزش عالی

با اجرای تحلیل محتوا بر مصاحبه‌ها و کدگذاری جملات مصاحبه‌شوندگان مقولات و مضامینی به دست آمده است که این مقولات مستخرج از مصاحبه‌ها در جداول ذیل ارائه شده است:

جدول ۳. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره
تقاضای اجتماعی	جلوگیری از مشکلات فرهنگی	عدم تغییر فرهنگ دانشجویان	۱
		حل مشکل فرهنگی	۲
		عدم ارزیابی از کشور	۳
	جلوگیری از مشکلات امنیتی	جلوگیری از خروج دانشجویان از کشور	۴
		جلوگیری از نفوذ امنیتی	۵
		عامل روانی و فرهنگی خانواده‌ها در مدرک گرفتن فرزندان	۶
	کسب منزلت فرهنگی	پیوند پرستیژ اجتماعی با مدرک‌گرایی	۷
		نگاه جامعه و فامیل به دانشجو شدن فرد	۸
		آموزش عالی عامل پرستیژ اجتماعی	۹
		کسب پرستیژ اجتماعی	۱۰

جدول ۴. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره	
تقاضای اقتصادی	مدرک‌گرایی	مدرک داشتن به شغل می‌انجامید	۱۱	
		مدرک‌گرایی	۱۳	
		حقوق و دستمزد کم نیروهای غیر تحصیل کرده در ایران	۱۴	
	کالایی شدن آموزش	فرصت‌طلبی و درآمدزایی و تورم قشر تحصیل کرده و فقدان اشتغال (علل)	۱۵	
		درآمدزایی و تأثیر در مسائل سیاسی	۱۶	
		درآمدزایی و پول درآوردن	۱۷	
			دانشگاه بیشتر آموزشی است تا کارآفرین که به عدم مهارت فارغ‌التحصیلان منجر شده	۱۸
	عدم انطباق آموزش دانشگاهی با نیازهای بازار کار	بازار به مهارت نیاز دارد که دانشگاه آن مهارت را تأمین نمی‌کند و دروس نظری آموزش داده می‌شود	۱۹	
با وجود اشباع شدن بازار کار بسیاری از رشته‌ها، همچنان در رشته‌هایی که بیکار تولید می‌کنند دانشجو پذیرش می‌شود		۲۰		
بازار کار دانش‌بنیان نیست و بیشتر تجربه محور و استادشگردی است تا دانش‌محور		۲۱		
هم‌نشینی مفاهیم دانشگاه یعنی اشتغال		تا ۵ سال پیش دانشگاه موجب اشتغال و کسب منزلت افراد بود؛ از ۵ سال پیش با روند رشد تعداد بیکاران فارغ‌التحصیل، این مفهوم برای پسران منسوخ شده، ولی برای دختران بعد منزلت آن باقی مانده است	۲۲	

جدول ۵. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره	
عرضه اجتماعی حاکمیت	تأمین نیروی ماهر کشور	کمبود نیروی متخصص در کشور	۲۳	
		شکل‌گیری نیازهای تازه و لزوم آموزش آن‌ها	۲۴	
		جنگ باعث ایجاد تخصص‌های رشته‌ای مختلف شد	۲۵	
		پاسخ به نیاز اجتماعی	۲۶	
		تولید سرمایه انسانی	۲۷	
		ایجاد اشتغال با توسعه آموزش عالی	۲۸	
		کشور توسعه‌نیافته بود، نیاز به تربیت نیروی انسانی	۲۹	
	فشارهای سیاسی	اراده سیاسی پشت توسعه دانشگاه آزاد	۳۰	
	فشارهای فرهنگی	جولوگیری از مشکلات فرهنگی دانشجویان	۳۱	
		جولوگیری از استحاله فرهنگی دانشجویان (علل)	۳۲	
	توزیع منابع	برقراری عدالت اجتماعی و توسعه از بالا به پایین	۳۳	
		برقراری عدالت اجتماعی	۳۴	
		برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه	۳۵	
		بهره‌گیری از همه استعدادها و پشت‌کنکوری‌ها	۳۶	
		شکستن فاصله طبقاتی با آموزش عالی	۳۷	
		توزیع عادلانه فرصت‌ها	۳۸	
		توانمندسازی جامعه و شکستن فقر	۳۹	
		حل مشکلات جامعه	۴۰	
		توسعه اجتماعی و اقتصادی	افزایش سطح علمی جامعه (دلیل)	۴۱
			فراهم کردن توسعه و رفاه و توسعه با آموزش عالی رخ می‌دهد	۴۲
	ارتقای جامعه با آموزش عالی		۴۳	
	تحول فرهنگی، ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان		۴۴	
	ارتقای علم‌آموزی و آگاهی		۴۵	
	درآمدزایی از دانش، خارج کردن انسان‌ها از چهل		۴۶	
	ایجاد فهم و رشد اجتماعی		۴۷	
	افزایش سطح سواد عمومی		۴۸	
	ایجاد استقلال علمی		۴۹	
	انتقال آموزش و مهارت و توانمندی‌ها		۵۰	
	تولید نیروی نخبه‌پرور		۵۱	
	دستیابی به پیشرفت		۵۲	
	بالا رفتن سطح آگاهی و فرهنگی		۵۳	
	تدبیر اجتماعی	مدیریت جوانان	۵۴	

جدول ۶. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره
بسترهای فرهنگی	علم دوستی	افزایش شوق و اشتیاق ورود به دانشگاه	۵۵
		شیدایی نسبت به علم در جامعه	۵۶
		موج جمعیتی خواستار دانشگاه	۵۷
		علم دوستی ایرانیان؛ ریشه فرهنگی	۵۸
		جستجوی هویت‌یابی ملت در دانشگاه و مدرک	۵۹
		عطش تحصیل	۶۰
		افزایش تقاضا برای بورس خارج	۶۱
		سابقه فرهنگی ایرانیان	۶۲
	آرمان‌های فرهنگی	معرفی نظام دینی به علم دوستی	۶۳
		تأکید امام (ره)، اهداف سیاسی دولت‌ها: تأکید قانون اساسی	۶۴
		استناد به سخنان امام (ره)	۶۵
		انقلاب اسلامی انقلاب هویتی بود و علم‌اندوزی ارمان آن	۶۶
		اهمیت اسلام به علم	۶۷
		ارزشمندی علم	۶۸
		مترادف بودن مسلمان انقلابی با گسترش علم	۶۹
		نشان دادن قابلیت و کارکرد نظام دینی	۷۰
		از بین بردن غرور علمی دانشمندان	۷۱
		رسیدن به تمدن اسلامی و اهمیت علم‌آموزی	۷۲

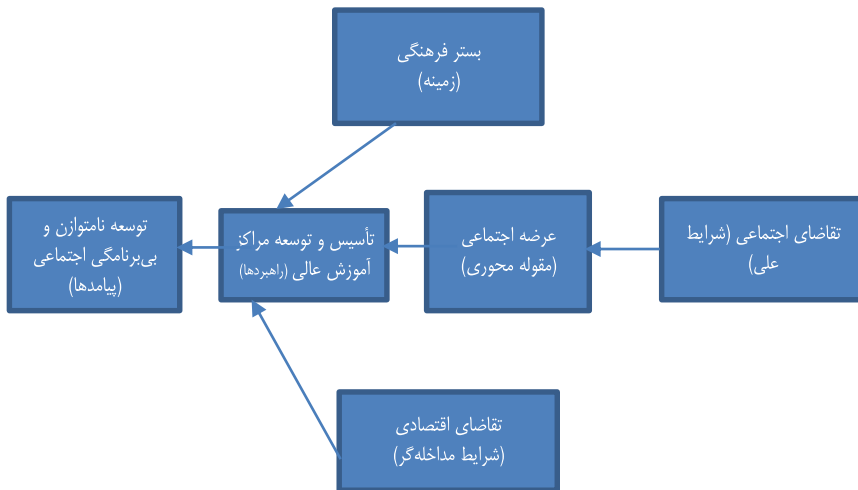
جدول ۷. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره
توسعه نامتوازن و بی‌برنامگی اجتماعی	یقه‌سفید سازی تحصیلات تکمیلی	لابی‌نمایندگان مجلس برای تأسیس دانشگاه	۷۳
		فشارهای سیاسی	۷۴
		رقابت وزارت علوم و دانشگاه آزاد	۷۵
		ورود و پذیرش مدیران دستگاه‌ها به دوره‌های دکتری بدون ارائه ارزش افزوده علمی	۷۶
	شکاف میان سیاست‌ها و برنامه‌ها	بودجه راهبر برنامه‌ها به جای برنامه راهبر بودجه؛ عدم تحول کیفی	۷۷
		عدم برنامه‌ریزی مدون	۷۸
		رقابت دولت‌ها با یکدیگر برای ارائه گزارش پیشرفت کارها	۷۹
		رقابت‌ها و چشم‌هم‌چشمی‌های فرهنگی مسئولین	۸۰
		سیاست‌گذاران بدون رویکرد	۸۱
		رشد جمعیت و ایجاد ظرفیت‌های دانشگاهی به‌طور اقتصای	۸۲
		افزایش نرخ بیکاری و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی ناشی از نبود اشتغال و جذب سرمایه	۸۳
		سیاست‌ها به برنامه تبدیل نمی‌شوند و برنامه بودجه‌ای پیش می‌رود/ نفت محور است	۸۴
	ضعف در ساختار نظارت و قانون‌گذاری	نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی کشور در حوزه‌های مختلف؛ از جمله اینکه نظارت بر آموزش عالی تقریباً صورت نمی‌گیرد. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی این نظارت به عهده رهبری است که ایشان می‌توانند این وظیفه را به نهادهای دیگر تفویض کنند.	۸۵
		تفویض مورد فوق به قانون مصوب مجلس و دولت نیز انجام نشده است.	۸۶
		نهاد اصلی متولی در تصمیم‌گیری برای آموزش عالی مشخص نیست	۸۷

جدول ۸. کدها، مفاهیم و مقولات مصاحبه‌ها

مقوله	مفهوم	کد	گزاره
تأسیس و توسعه مراکز آموزش عالی	توسعه اجتماعی	پاسخی برای نیاز به منزل یافتن در جامعه	۸۸
		کسب درآمد بهتر و ارتقای طبقه اجتماعی	۸۹
		شکست چرخه فقر با آموزش علت افزایش تقاضا	۹۰
		توسعه آموزش عالی برای رسیدن به توسعه کشور	۹۱
	کسب منزلت	القا در مدرسه به دانش‌آموز که دکتر شود	۹۲
	توسعه سیاسی	علم به‌عنوان راهی برای دستیابی به قدرت در دنیا	۹۳
		علم به‌عنوان عامل پیشرفت	۹۴
		ایجاد استقلال علمی از خارج	۹۵
		مواجهه بین‌المللی و لزوم افزایش سواد جامعه	۹۶
		گسترش دانشگاه آزاد برای بازی و ایفای نقشی در سیاست و انتخابات در دوره‌ای	۹۷
		دستیابی به قدرت	۹۸
	توسعه اقتصادی	انتفاع از آموزش عالی	۹۹
		جذب ظرفیت‌های انباشته‌شده برای درآمدزایی	۱۰۰

نمودار شماره ۱: الگوی کدگذاری محوری



۳-۴. کدگذاری انتخابی و خلق نظریه

مقوله محوری با انجام کدگذاری‌های باز و محوری عرضه اجتماعی آموزش عالی از سوی سیاست‌گذاران آموزش عالی در ایران به دست آمد. این عرضه اجتماعی پس از ایجاد تقاضای اجتماعی ایجاد شد که خود منبث از عوامل گوناگونی نظیر افزایش جمعیت و مشوق‌های فرهنگی ایرانی در علم دوستی است. هم‌نشینی میان

دو متغیر دانشگاه و اشتغال و فراهم آوردن زندگی با رفاه بیشتر با کسب مدرک دانشگاهی نیز از عوامل مداخله‌گر در خلق راهبرد تأسیس مراکز متعدد آموزش عالی در کشور و افزایش ورودی‌ها به دانشگاه و همچنین افزایش سیاست‌های توسعه آموزش عالی از سوی دیگر بوده است.

در نتیجه ضعف در به‌کارگیری نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی و ضعف‌های ساختاری در نظام‌های اشتغال و آموزش عالی و خلأهای قانونی، نسبت برابر استفاده از سرمایه انسانی بازار اشتغال را برهم زده است. تشدید این امر بدون نظارت کافی در آمایش سرزمینی نیازهای کشور و هر منطقه از وضعیت اشتغال و دانشگاه ظهور بیشتری یافته است. بخشی از این پیامد ناشی از مداخله عوامل سوء اقتصادی است که در آن آموزش به‌عنوان کالایی از کنار تعدد مراکز آموزشی و سود اقتصادی برای برخی حاصل شده و به دنبال آن، با تأکید بر مدرک و کسب آن، بدون پشتوانه شغلی، انباشت مدرک به وجود آمده است.

در کنار آموزش عالی، نظام اشتغال کشور نیز به‌سوی دانش‌بنیان شدن و بهره‌گیری از دانش روز پیش نرفته و اقتصاد دانش‌بنیان جدی گرفته نشده است؛ یعنی آموزش عالی با مهارت‌پیگیری نشده و اشتغال‌دادنش مهجور مانده که این‌همه به توسعه نامتوازن آموزش عالی کشور و از آن‌طرف عدم توسعه اشتغال دانشی از سوی دیگر انجامیده است.

نکته قابل توجه ایجاد چرخه عرضه و تقاضای آموزش عالی کشور بر اساس تقاضای اجتماعی با محوریت فرهنگ و نه اقتصاد است، به‌طوری‌که عرضه و تقاضای اقتصادی که بیشتر نیازمحور و مسئله‌مند است در این توسعه رخ نداده و سیاست‌گذاران، تقاضای اجتماعی را محور توسعه قرار داده‌اند و این عامل بر عدم اشتغال محوری به‌واسطه بی‌توجهی به نیازها یاری رسانده است؛ بنابراین در آموزش عالی اقتصادی پیشرفتی نبوده، بلکه بیشتر بخش فرهنگی و سیاسی آن پیش رفته است.

در واقع عرصه فرهنگی با بعد منزلتی درگیر است و ایجاد جایگاه اجتماعی در آن اولویت دارد؛ نه منطق سود و رفع نیاز و در مقابل، عرصه سیاسی با ویژگی

جناح‌بندی‌های حزبی و افزایش بهره‌های سیاسی در عرصه‌های مختلف انتخاباتی و کسب منافع گروهی در ارتباط است؛ عرصه‌هایی که برای برقراری نسبت با اشتغال کمترین بهره و ارتباط را دارند.

بنابراین آن‌چنان‌که از چارچوب مفهومی رویکرد دستگامی ارائه شد از داده‌های ظاهرشونده در مصاحبه با دست‌اندرکاران آموزش عالی به دست آمد که رویکرد دستگامی به معنای ورودی و خروجی در سیستم کشور در آموزش عالی و اشتغال مشاهده نمی‌شود؛ یعنی نسبتی میان آموزش عالی و اشتغال به دست نیامده و توسعه نامتوازن میان آن‌ها مشاهده شد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف دستیابی به نگاه دستگامی آموزش عالی و اشتغال انجام شد و برای پاسخ به مسئله تحقیق در نسبت میان آموزش عالی و اشتغال این نتیجه به دست آمد که بین آموزش عالی و اشتغال در ایران نسبت مستقیم وجود ندارد؛ بلکه میان آن‌ها توسعه نامتوازن هست. بدین منظور آمارهای آموزش عالی و اشتغال بررسی شد که نشان داد، ۴۰ درصد دانش‌آموختگان آموزش عالی در بازارهای اشتغال کشور به کار گرفته نمی‌شوند.

در این تحقیق پس از انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۰ تن از دست‌اندرکاران آموزش عالی در سطوح اجرایی و مدیریتی و تحلیل داده‌ها با روش داده بنیاد، پنج مقوله اصلی به دست آمد و مشخص شد که عرضه اجتماعی و توسعه آموزش عالی از سوی حاکمیت ناشی از «تقاضای اجتماعی» بوده است.

زمینه‌هایی همچون بستر فرهنگی ایرانی-اسلامی مانند تشویق در علم‌آموزی و متغیرهایی مداخله‌گر مانند برقراری رابطه ضمنی میان مدرک دانشگاهی و کسب شغل منجر به رو آوردن مردم به آموزش عالی شده و ورودی آموزش عالی در نهایت با پیامد بیکاری گسترده در سطح دانش‌آموختگان روبه‌رو بوده است. از این‌رو خروجی مطلوب در اشتغال اتفاق نیفتاده و تعادل کارکردی در عرصه وظایف نظامات اجتماعی کشور نیز رخ نداده است.

هم‌زمان با تغییرات جمعیتی ایران در ۴۰ سال گذشته تقاضای اجتماعی برای

علم‌آموزی بالا گرفت و این امر موجب برهم خوردن الگوی تعادل جامعه و در نتیجه ورود اطلاعات جدید به نظامات اجتماعی جامعه شد. این مهم با تأسیس دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور محقق شد؛ اما هم‌زمان با این اقدام تلاش متوازن برای ایجاد ظرفیت‌های شغلی صورت نگرفت؛ تا جایی که تعادل کارکردی در کشور و نسبت میان آموزش‌دیدگان و اشتغال دچار اختلال شد.

در مجموع آموزش عالی ایران با توسعه کمی بی‌رویه خود طی سال‌های پس از انقلاب زمینه را برای ارائه فرصت به بخش اقتصادی و اشتغال کشور در گسترش متوازن فراهم نیاورده است که بخش قابل توجهی از این موضوع ناشی از ناهماهنگی میان سیاست‌ها و برنامه‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که سیاست‌ها بیشتر، آرمانی نگاشته شده‌اند و برنامه‌ها بودجه محور اجرا شده‌اند و شکاف قابل ملاحظه‌ای میان این دو عنصر اساسی رخ داده که نمود آن خود را در عرضه اجتماعی آموزش عالی و اشتغال نشان داده است.

منابع

- احمدی، سیروس. مختاری، مریم. حسین نژاد، قدم (۱۳۹۴) ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه دانشگاه یاسوج). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۳ (۴)، صص ۱-۲۰.
- استونز، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه: مهرداد میردامادی. تهران: مرکز اسکات، پیتر (۱۳۹۷). جهانی شدن آموزش عالی. ترجمه: رضا فاضلی. چ دوم. تهران: سروش.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸). ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال؛ مورد برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۵۳)، صص ۱-۲۸.
- حسینی لرگانی، مریم. میرعرب رضی، رضا. رضایی، سعید (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی در هزاره جدید: زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، (۵۰)، صص ۱۱۹-۱۳۷.
- رضاییان، علی (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل طراحی سیستم‌ها. تهران: سمت.
- سهیل سرو، محمد (۱۳۹۸). تحلیل سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهیل سرو، محمد. هزارجریبی، جعفر. کرمی، محمدتقی. انتظاری، اردشیر (۱۳۹۸). سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. راهبرد اقتصادی، ۵ (۱۹)، صص ۱۷۵-۲۰۲.
- سو، آوین. ی (۱۳۸۸). تغییر اجتماعی و توسعه. مترجم: محمود حبیبی مظاهری تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران: آگاه.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷). گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران. چ سوم. تهران: آگاه.
- قربانعلی‌زاده، مزده. نجار نهندی، مریم (۱۳۹۳). تحلیل بر کارآمدی آموزش عالی در مسئله اشتغال جوانان. مطالعات راهبردی. ورزش و جوانان، ۱۳ (۲۴)، صص ۱-۲۵.
- کوزر، لویس (۱۳۸۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی.

تهران: علمی.

مردیها، مرتضی. پاك‌نیا، محبوبه (۱۳۹۶). دانشگاه نخبه، دانشگاه توده. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مرکز آمار ایران.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

همتی، رضا (۱۳۹۲). توده‌ای شدن آموزش عالی و زندگی دانشگاهی در ایران: تأملی در تجربه زیستی دانشگاہیان. *مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی*. ۲ (۱)، ص ص ۱۲۷-۱۵۶.

Barnett, R. (۲۰۰۰). "University Knowledge in an Age of Supercomplexity". *Higher Education*, ۴۰(۴): ۴۰۹-۲۲

Bloom, D. Canning, D. and Chan, K. (۲۰۰۵) Higher Education and Economic Development in Africa, World Bank, Washington, DC.

Coleman, James S (۱۹۶۵) collective decision, The bulletin of the National Association of Secondary School Principals, Volume: ۴۹ issue: ۲۹۸, PP (s): ۴۹-۶۰.

Creswell, J. W. (۲۰۰۵) Educational Research: Planing Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, Upper Saddle River, New Jersey: Pearson Education, Inc.

Harvey, Lee. (۲۰۰۰). New Realities: The Relationship between Higher Education and Employment, Tertiary Education and Management volume ۶, PP ۳-۱۷.

Mc Milan, James H, Schumacher Sally. (۱۹۹۳). *Research: A Conceptual Introduction*, HarperCollins: College Publishers.

Ritzer, Geotge. (۲۰۱۳). *Sociological Theory*, McGraw Hill.

Strauss, A. L, Corbin, Juliet (۱۹۹۸). Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, sage. Lee, J. (۲۰۰۱) A Grounded Theory, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.

Tomlinson, Michael. (۲۰۰۸). 'The degree is not enough': students' perceptions of the role of higher education credentials for graduate work and employability, British Journal of Sociology of Education, Volume ۲۹ Issue ۱, PP ۴۹-۶۱.

West, John. (۲۰۰۶) Higher education and employment: opportunities and limitations in the formation of skills in a mass higher education system, Volume ۵۲, Issue ۴, PP ۵۷۳-۵۸۸.